

چگونه از راه بازماندیم؟



سرمقاله

اعظم طالقانی

زمانی که در دور نخست مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده مردم حضور داشتیم، عده‌ای از نمایندگان به مراجعه‌کنندگان خود که تقاضای زمین، مسکن، ماشین‌آلات کشاورزی و لوازمی چون فرش داشتند، توصیه‌نامه‌ای می‌دادند و آن‌ها را به وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف معرفی می‌کردند. روزی در جلسه‌ای غیرعلنی این مسئله را یادآوری کردم که این کار مخالف روند قانونی است؛ چراکه اگر کسی مستحق دریافت این مزایا باشد، می‌تواند مسیر قانونی را طی کند و پس از گزینش‌های لازم این امکانات را دریافت کند. این درست نیست که هرکسی درخواستی داشت بلادرنگ او را به سازمانی معرفی کنیم تا خواسته‌اش برآورده شود. توجیه بعضی از این نمایندگان جالب بود؛ اینکه ما به رأی این افراد برای دوره‌های بعد نیاز داریم؛ یعنی آشکارا حقوق ملت را به پای منافع شخصی قربانی می‌کردند.

فصل سوم قانون اساسی از اصل نوزدهم تا چهل و دوم به‌صراحت به حقوق ملت پرداخته است. من معتقدم

ریشه بسیاری از مشکلات سال‌های اخیر، بی‌توجهی به همین اصول است. آنچه در سطور بالا ذکر شد نشانه آشکار نگاه ابزاری به مردم است. نگاهی که متملقان را گرد مسئولان جمع می‌کند و مشفقان و مصلحان را به حاشیه می‌راند. نتیجه منطقی این روند همین اختلاس‌ها خواهد بود. کسانی که خود را ظاهرالصلاح جلوه می‌دهند و پله‌های ترقی را بالا می‌روند و سر بزنگاه ضربه کاری را می‌زنند. فراموش نکنیم کشمیری، عامل انفجار نخست‌وزیری، به‌ظاهر فردی مؤمن و معتقد به اصول انقلاب بود و به‌گونه‌ای در اجرای شعار می‌داد که بسیاری از انقلابیون از او جا می‌ماندند، اما درنهایت چنان فاجعه‌ای را به‌بار آورد که همه می‌دانیم. چرا در دام او افتادیم؟ آیا غیر از این است که در فضایی که باید نص صریح قانون را سرلوحه کار خود قرار می‌دادیم، اولویت را به ژست‌های انقلابی دادیم؟ پس از آن روندی آغاز شد که برخی به مناسبت همین اولویت‌بندی‌ها به بیشتر منابع دسترسی پیدا کردند و برای خود منافع قائل شدند.

اگر همان روزها در دور نخست مجلس شورای اسلامی بیشتر به این نکات توجه می‌شد که حلقه‌ای از اطرافیان نمایندگان جلوتر از بقیه از مواهب بیت‌المال برخوردار نشوند، می‌شد مانع از شکل‌گیری طبقه نوکیسه‌ای شد که بعدها برخی گلوگاه‌های اقتصادی را در اختیار گرفتند. وقتی درباره تقسیم بیت‌المال حرف می‌زنیم، کوچک‌ترین انحرافی از قانون، تبعات بزرگی را در پی خواهد داشت. در اینجا عدالت؛ یعنی اجرای بدون تنازل و بدون برجسته‌سازی قانون اساسی.

نقطه مقابل عدالت‌ورزی رفتار تبعیض‌آمیز است. همین نگاه تبعیض‌آمیز است که شایستگان را از قرار گرفتن در

جایگاه خود بازمی‌دارد و جامعه را از خدمات آن‌ها محروم می‌کند، اما جای آن‌ها را چه کسانی می‌گیرند؟ افرادی که با ریاکاری و بله‌قربان‌گویی به مدیریت می‌رسند و پس از آن در پی دستیابی به منافع و رانت خواهند بود. اجازه بدهید یک بار دیگر این فراز از فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر را با هم مرور کنیم:

«بَسْتَدَلْ عَلَيَّ ادْبَارِ الدُّوَلِ بَارِعٌ: تَضْيِيعُ الْاَصُوْلِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُوْعِ وَ تَقْدِيْمُ الْاَرَادِلِ وَ تَاخِيْرُ الْاَفْاَصِلِ»؛ چهار چیز باعث شکست دولت‌ها می‌شود: ۱. ضایع کردن اصول (مسائل مهم)؛ ۲. سرگرم شدن به فروع (امور کم‌اهمیت)؛ ۳. به‌کار گماردن آدم‌های پست؛ و ۴. کنار گذاردن انسان‌های فاضل و قابل.

لحظه‌ای به این فرمایش گهربار ببندیشیم. به‌گمان من اگر شاهد مشکلاتی از قبیل بیکاری، اعتیاد و ناهنجاری‌های اخلاقی و فساد در جامعه هستیم، همه به‌نوعی نتیجه ناکارآمدی صاحبان امور است و صدالبته راه‌حل همه مشکلات در همین سخن امام علی (ع) نهفته است؛ اما نحوه اجرای این فرمان در حال حاضر چگونه است؟ یک راه بیشتر سراغ ندارم؛ اجرای بی‌کم‌وکاست قانون، بالاخص اصل‌های مربوط به حقوق ملت که پشتیبان نهادهای ملی است. قانون همان اصل است و دور زدن قانون همیشه به‌بهانه توجه به حاشیه‌هایی انجام می‌شود که ما را از اصل بازمی‌دارد. همچنین قرار گرفتن آدم‌های فاضل در صدر جز با ایجاد امکان مشارکت همگانی و فضای رقابت سالم و آزادی احزاب و محافظت از نهادهای مدنی و اطلاع‌رسانی مطبوعات آزاد صورت نمی‌گیرد. رعایت همین اصول است که فضای همدلی و نشاط در جامعه ایجاد می‌کند و دست رانت‌خواران را از منابع قطع می‌کند.

سرزمین ایران سرشار از منابع و امکانات طبیعی است و مملو از افراد شایسته و بااستعداد. تنها راه برون‌رفت از مشکلات فعلی، ایجاد فضای وحدت ملی است و برای این هدف تنها راه بی‌اهمیت دانستن برخی اختلاف عقیده‌ها و فراهم کردن بستر مشارکت همگانی در امور مهم است. اگر زنجیره الفت ما ملت مستحکم شود، هیچ تحریمی بر ما اثر نخواهد کرد. چه‌بسا با اجماع فکری راه‌حل‌هایی پیدا کنیم که معضلات ناشی از تحریم‌ها هم از بین برود.

رشته وحدت چو قوم از دست داد

صد گره بر روی کار ما افتاد

ما پریشان در جهان چون اختریم

همدم و بیگانه از یکدیگریم

باز این اوراق را شیرازه کن

باز آیین محبت تازه کن

باز ما را بر همان خدمت گمار

کار خود با عاشقان خود سپار

اقبال لاهوری